

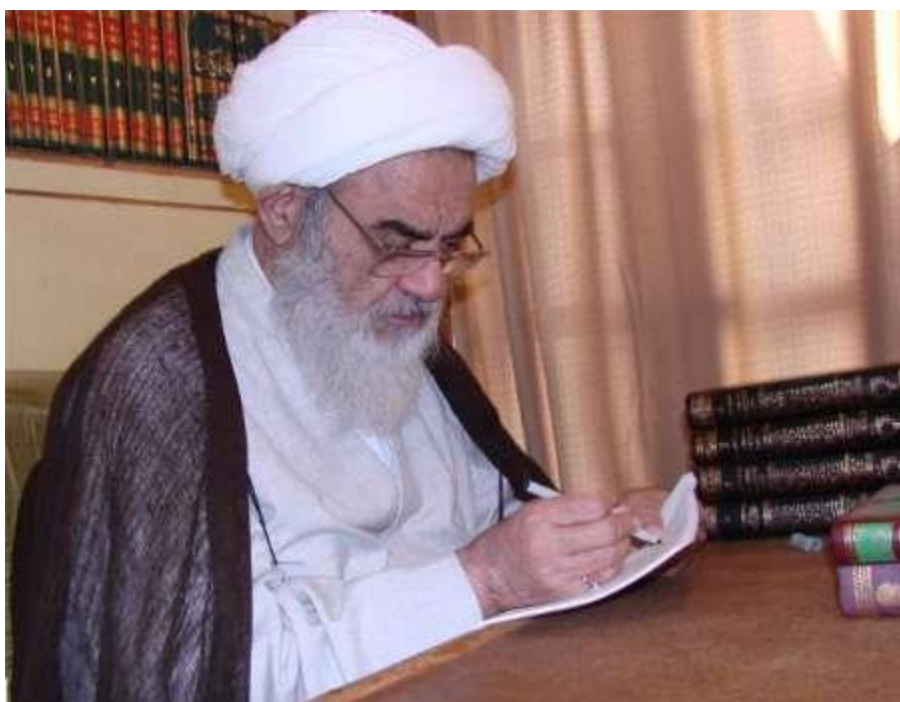
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات

حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

جلسه شانزدهم - عنوان درس: توبه



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

چیزی که باید همه ما به آن توجه داشته باشیم، اینست که گناه مانع از اینست که خدا ما را بپذیرد، لذا امشب باید یک توبه جدی داشته باشیم. یعنی از زیر پرچم شیطان بیرون آمدن و زیر پرچم خدا رفتن. به این توبه می‌گویند. به قول امام سجاد در دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید خدایا! رسیدن به تو خیلی نزدیک است:

«وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ»[۱]

یعنی یک قدم است: بعد پا گذاشتن روی هوی و هوس، خدا می‌شود. از زیر پرچم شیطان بیرون آمدن و رفتن زیر پرچم خدا، یک قدم است و به این توبه می‌گویند. جداً امشب حالی پیدا شود که از زیر پرچم شیطان و هوی و هوس و صفات رذیله بیرون آید و برود زیر پرچم خدا که خدا وعده او را گرفته است. ما امشب موعود خدا هستیم و خدا همیشه و مخصوصاً شبه‌ای قدر می‌گوید بیا، هرآنچه هستی بیا، قبولت می‌کنم. گناه هرچه بزرگ، گناه هرچه فراوان باشد، می‌فرماید بیا:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۲

در اینجا نمی‌گوید یا ایها الناس و نمی‌گوید یا ایها الذین آمنوا، بلکه با تلمف خاصی می‌گوید بنده‌ام، عزیزم بیا. گرچه گناه فراوان و بزرگ است اما نگو گناه بزرگ و فراوان است، بلکه رحمت من از آن بزرگتر است. نادیده گرفتن من ولو گناهش خیلی بزرگ است، اما یقینی است. پس مأیوس نشو، زیرا هرچه باشی و هرکه باشی، خدا تو را می‌پذیرد. این وعده‌امشب خدا راجع به ماست

و اما توبه، همین که قرآن می‌فرماید یعنی پذیرفتن این وعده. اینکه خدا می‌فرماید بیا زیر پرچم من، از زیر پرچم دشمنت یعنی شیطان یعنی هوی و هوس یعنی نفس اماره بیرون بیا، زیرا زیر پرچم من همه چیز هست، هم سعادت در دنیا هست:

«يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»^۳

هم دنیایت را اصلاح می‌کنم و هم آخرت را اصلاح می‌کنم. چقدر خدا مهربان است، هرچه ما بدیم، او خوب است.

یک ذکر خوبی هست که انسان همیشه بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنَا يَتْسَرُ الْعَبْدُ»؛ خدایا! خدای خوبی هستی اما من، بنده‌ی بدی هستم.

در آیه دیگری، خداوند سلام به گناهکار رسانده است. یعنی هرچه بزرگ باشد و از هرکه باشد، می‌فرماید یا رسول الله! وقتی گناهکار آمد و خواست توبه کند، سلام مرا به او برسان: «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»؛ یک وعده هم قبل از توبه به او بده و بگو: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»^[۴]؛ بگو در ذات ربوبی، رحمت خوابیده است. اگر به راستی توبه کنی، مثل باران، برایت رحمت می‌بارد.

و اما بالاتر از این، می‌فرماید گناه یأس از رحمت من، از هر گناهی که داشته باشی، بالاتر است. گناه هرچه بزرگ، ولو شرک باشد، گناه یأس از آن بدتر است. گناه یأس در سرحد کفر است:

«وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^ه

از رحمت خدا مأیوس نشو. این هم شیطان است. بالاترین مهار شیطان اینست که انسان را مأیوس کند و بگوید دیگر نمی‌شود. گناه این در سرحد کفر است.

همه شما شنیده‌اید و توجه به آن خیلی لازم است که یک نفر، شصت نفر سید را کشته بود و می‌گفت خدا مرا نمی‌آمرزد. حتی شیطان او را گول زده بود و دیگر نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت و جنایت و گناه می‌کرد و می‌گفت خدا مرا نمی‌آمرزد.^[۶] گناه این حال یاسی که پیدا کرده از کشتن شصت سید بالاتر است؛ یعنی گناه هرچه بزرگ و گناه هرچه فراوان باشد، اگر به راستی توبه کند، از زیر پرچم شیطان به زیر پرچم خدا برود، خدا همه گناهان را می‌آمرزد.

در آیه دیگر می‌فرماید نه تنها می‌آمرزم بلکه نابود می‌کنم. همه تجسم عمل‌ها و همه هویت‌ها که از گناه پیدا شده و نامه عمل تو و چیزها و کسانی که شهادت می‌دهند، همه را نابود می‌کنم. اما نه تنها از بین می‌برم، بلکه ثواب توبه‌ای هم در اول نامه عملت می‌نویسم. یعنی

نامه عمل سیاه را نابود می‌کنم و یک نامه درخشنده‌ای برایت می‌آورم که همان صفحه اول نوشته بهشت و ثواب توبه:

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۷

کسانی که به راستی توبه کنند، جداً از زیر پرچم شیطان به زیر پرچم خدا بیایند «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ». لذا این آیات که نظیرش هم در قرآن زیاد است و همه پیامبرهای الهی هم روی آن پافشاری داشتند و من جمله پیغمبر اکرم و ائمه طاهرين، پس ما باید توبه کنیم. توجه به گناه هم داریم و آلودگی دل زیاد است و انسان باید توبه کند. اما بعضی اوقات آن استغفار برایش حالی شود و تلاطم درونی در درونش پیدا شود و خجالت‌زدگی از خدا داشته باشد و در آن خجالت‌زدگی اشکی ریخته شود. ارزش این دانه اشک از دنیا و آنچه در دنیا است، بیشتر است. خوشا به حال کسانی که حالت توبه برایشان هست.

علمای علم اخلاق می‌گویند اول یقظه و توجه و بعد از آن توبه. آن یقظه و توجه یک حالت شود و توبه هم یک حالت شود و آن حالت خیلی ارزش دارد و توجه به اینکه خدا چقدر رئوف و مهربان است.

روایتی از امام حسین «سلام‌الله‌علیه» است و مثل خودش لطافت خاصی دارد. جوانی آمد خدمت امام حسین «سلام‌الله‌علیه» و گفت یابن رسول الله! عادت به گناه دارم و نمی‌توانم ترک کنم، پس چه کنم؟ امام حسین تحریک عاطفه کردند و با عqlش حرف زدند و با بهشت و جهنم با او حرف زدند. فرمودند وقت گناه یک جا برو که خدا تو را نبیند. این جوان گفت آقا امام حسین مگر می‌شود! من هرکجا بروم خدا هست. همه جا محضر خداست و ما در محضر خدائیم، ادب حضور باید مراعات شود، یعنی گناه نکنیم. آقا امام حسین دوباره تحریک عاطفه کردند و فرمودند وقتی گناه می‌کنی از ملک خدا بیرون برو. همین‌طور که زیر پرچم شیطان هستی، از ملک خدا هم بیرون برو و گناه کن. در حالی که «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [۸]. باز امام حسین تحریک عاطفه کردند و فرمودند در محضر خدا و در ملک خدا نباش و لأقل نمک شناس نباش و اگر می‌خواهی گناه کنی، روزی خدا را نخور. گفت آقا هرچه بخورم از خداست و مگر می‌شود چیزی بخورم و از خدا نباشد. فرمود پس وقتی که عزرائیل بیاید، جان نده، زیرا آدم گناهکار را به جهنم می‌برند و در وقتی که بمیری، شب اول وقت و برزخ داری. گفت آقا در آن زمان، وقت بدبختی من است. چطور می‌شود جلوی عزرائیل را گرفت! [۹]

چه روایت خوبیست و انسان بعضی اوقات مراقبه کند. وجدان اخلاقی را جلو بیاورد و به خودش بگوید ای گنهکار در محضر و ملک خدا روزی خدا را می‌خوری و گناه هم می‌کنی! حال این خدا که همه جا محضر اوست و این خدا که همه چیز ملک اوست و این خدا که همه چیز از اوست و هرچه استفاده کنیم از اوست، لطف و رحمتی بالاتر از اینها دارد. می‌فرماید:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»

ای گنهکار خجالت نکش و شیطان جلوی تو را نگیرد، زیر پرچم من بیا که باران رحمت من مثل باران بر تو می‌بارد. «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»؛ هم دنیا و هم آخرتش را اصلاح می‌کنم.

خوشا به حال کسانی که در این شب‌ها حالی پیدا کنند؛ حال خجالت‌زدگی از خدا، رفتن زیر پرچم خدا «قَرِيبُ الْمَسَاقَةِ» است و از شیطان بریدن و به خدا وصل شدن است. از شیطان ببرد، خدا او را می‌گیرد و دست عنایت خدا روی سرش می‌آید. مثل اینکه در حال غرق شدن در دریاست و دستش را بدهد به کسی که شنا بلد است و آنگاه نجات پیدا کند. انسان به راستی در حال غرق شدن است، شیطان و نفس اماره و هوی و هوس او را غرق می‌کند. پس دستش را به خدا دهد؛ آنگاه خدا او را نجات می‌دهد و دنیاش را اصلاح می‌کند و آخرتش هم اصلاح می‌شود. یک جهش حسابی و به قول عوام صد و هشتاد درجه‌ای می‌شود و ناگهان می‌شود حرّ بن یزید ریاحی. درحالی که گناهش خیلی بزرگ بود، اما دلی پیدا کرد. راوی می‌گوید دیدم بدنش مثل بید می‌لرزد. پرسیدند حرّ چه شده است؟ گفت خود را بین جهنم و بهشت می‌بینم. بالاخره یک قدم آمد زیر پرچم امام حسین و امام حسین هم او را گرفت. حتی رسید به آنجا که سرش زیر است و خجالت می‌کشد و نمی‌تواند به امام حسین نگاه کند اما آقا فرمودند بخشیدم، بخشیدم، سرت را بالا کن.

نظیر اینها زیاد است که به راستی حرّ بن یزید ریاحی‌ها می‌رسند به آنجا که امام حسین می‌فرمایند مثل یاران من از زمان حضرت آدم تا روز قیامت نیامده و نخواهد آمد. کارش می‌رسد به آنجا که امام حسین برای هیچکس این کار را نکرد اما دستمالی از جیب مبارکش درآورد و پيشانی حرّ بن یزید ریاحی را بست و زمانی که قبرش را نبش کردند، دیدند که بدن تر و تازه است و دستمال هم تازه است. طمع به دستمال کردند و دستمال را باز کردند و دیدند خون جاری شد. فهمیدند که علاقه به دستمال امام حسین دارد و دوباره دستمال را بستند. رسید به آنجا که یکی از بزرگان به من می‌گفت مرض ناعلاجی داشتم و رفقا می‌خواستند به زیارت حرّ بن یزید ریاحی بروند، مرا به دوش گرفتند و بردند. مرا گذاشتند در حرم و به دنبال تفریحشان رفتند. ناگهان دیدم یک خانم یک بچهٔ فلج را آورد و گذاشت در پیش ضریح حضرت حرّ. یکی از شبکه‌های ضریح را گرفت و گفت «یا کاشف الکرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق مولاک الحسین»؛ ای کسی که با توبه‌ات امام حسین را خوشحال کردی. خدا می‌گوید من به اندازه‌ای خوشحال می‌شوم مثل کسی که زن و بچه‌اش را گم کرده باشد و ناگهان پیدا کند. این خانم همین را گفت که ای کسی که حسین را خوشحال کردی، بحق امام حسین بچه‌ام را شفا بده. بار دوم و سوم گفت و ناگهان بچه بلند شد و گفت یا ام‌آه یا ام‌آه و در دل مادر آمد. بچهٔ فلج خوب شد. «يُصْلِحْ لَكُمُ أَعْمَالَكُمْ»؛ این بزرگ هم که از اهل دل بود، گفت من نمی‌توانستم بلند شوم بلکه غلطان غلطان پای ضریح مطهر آمدم و دستم را به شبکه گرفتم و گفتم «یا کاشف الکرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق مولاک الحسین»؛ ای کسی که حسین را با توبه‌ات خوشحال کردی، مرا شفا بده. بار اول و دوم و سوم گفتم و ناگهان گفت خوب شدم. بعد بیرون آمدم و دویدم و رفقایم را صدا کردم و گفتم حرّ مرا شفا داد.

حرّ کسی است که گناهش خیلی بزرگ است، اما جدی توبه کرد و از زیر پرچم یزید، آمد زیر پرچم امام حسین.

امشب از خدا بخواهید یک حال توبه و انابهٔ همیشگی به ما بدهد. شیطان ما را گول نزند و نفس اماره ما را نبرد و بالاخره مثل حرّ بن یزید ریاحی از زیر پرچم شیطان برویم زیر پرچم خدا. آنگاه مستجاب الدعوه می‌شود. آنوقت کارهای ناعلاج، علاج می‌شود. بچهٔ فلج، خوب شده و گره‌های کور باز شده. اگر به راستی توبه باشد، گره‌های کور خود به خود باز می‌شود. فلج روحی و فلج جسمی ما و دردهای اجتماعی خوب می‌شود.

از همه شما تقاضا دارم دلتان برای نظام مقدس بتپد. برای این اختلاف و بحرانی که الان در جامعه هست، دلتان بتپد و از خدا بخواهید این آتش خاموش شود. از خدا بخواهید این نظام مقدس در پناه امام زمان حفظ شود. از خدا بخواهید امسال فرج آقا امام زمان میسر و نزدیک شود. بعد هم به جامعه و به دیگران دعا کنید. تقاضا دارم به دشمن دعا کنید و دل آلوده نباشد و اگر دل آلوده شد، نمی‌شود. حال کسی مال شما را خورده و به شما بدی کرده و آبروی شما را برده است، اما شما دل پاکی پیدا کنید و اول به دشمن و بعد به خود دعا کنید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱. مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۵۸۳.

۲. الزمر، ۵۳: «بگو: ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است».

۳. الاحزاب، ۷۱: «تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد».

۴. الانعام، ۵۴: «و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده است».

۵. یوسف، ۸۷: «و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود».

۶. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۰۸.

۷. الفرقان، ۷۰: «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است».

۸. آل عمران، ۱۸۹: «و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خداوند بر هر چیزی تواناست».

[۹]. ر.ک: بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶؛ جامع الاخبار، ص ۱۳۰.

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>